**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خلاصه کتاب آموزش منطق استاد محسن غرویان**

**تمامی ایرادات این خلاصه متوجه اینجانب(علی صفرنواده) می‏باشد.**

**درس 1: ضرورت فراگیری منطق**

تعریف فکر: فکر، حرکت و تلاش ذهن بین معلوم و مجهول است.

پدیده فکر امتیاز انسان است.

با توجه به اشتباهات فکری خود و دیگران به امکان اشتباه در فکر پی می‏بریم.

منطق روش فکر صحیح است.

**درس 2: موضوع علم منطق**

تعریف علم: علم، حضور صورت یک امر در عقل است.

علم به تصوّری و تصدیقی تقسیم می‏شود. علم تصوّری مثل اینکه شما علی را می‏شناسید و تصوری از او دارید. علم تصدیقی مثل اینکه می‏دانید علی دایی حسین است.

علم در مقابل جهل است.

جهل نیز به تصوری و تصدیقی تقسیم می‏شود.

علم تصوری و تصدیقی هر کدام به ضروری(بدیهی)(نیازمند تفکر) و نظری(اکتسابی)(غیر نیازمند به تفکر) تقسیم می‏شوند.

فکر که از علم به طرف جهل رفتن برای رفع جهل است، گاهی برای رفع جهل تصوری با استفاده از تعریف است و گاهی برای رفع جهل تصدیقی است با استفاده از دلیل یا همان استدلال.

پس موضوع منطق که راه درست فکر کردن است شامل تعریف و استدلال است.

دو اصطلاح دیگر نیز برای موضوع منطق وجود دارد: معرِّف و حجّت

موضوع منطق معرِّف و حجّت است.

**درس 3: فایده منطق، آلی بودن منطق، تعریف منطق**

در گذشته هشت مطلب را درباره هر علم در ابتدای آن توضیح می‏دادند و به آن رئوس ثمانیه می‏گفتند. این هشت امر شامل موارد زیر می‏باشد:

1. تعریف 2. موضوع 3. فایده 4. مؤلف(پدر علم) 5. ابواب و مباحث علم 6. جایگاه علم در بین علوم دیگر 7. غرض 8. روش‏های آموزش علم.

فرق غرض و فایده: غرض آن چیزی است که علم آن را تعقیب می‏کند و فایده آن چیزی است که در صورت رعایت مسائل علم بدست محصل آن علم می‏شود.

علم منطق نیز در پی آن است که راه صحیح فکر و طریق رسیدن به مجهولات را تبیین نماید و این همان غرض از علم منطق است.

فایده منطق این است که با رعایت قواعد آن ذهن از خطای در تفکر مصون می‏ماند و در تحصیل مجهولات فکری، گرفتار اشتباه نمی‏شود.

علوم به دو دسته آلی(ابزاری یا مقدمی که مقدمه علوم دیگر هستند) و اَصالی(که خودشان مستقل هستند، هر چند ممکن است بدرد علوم دیگر هم بخورد، ولی فرع علم دیگری نیستند) تقسیم می‏شوند.

منطق از جمله علوم آلی است.

تعریف علوم: به موضوع یا غایت یا مسایل علم است. تعریف جامع شامل همه این موارد است.

تعریف علم منطق: **علمی است آلی که بیانگر قوانین تعریف و استدلال است و با رعایت قوانین آن، ذهن از خطای فکری مصون می‏ماند.**

در این تعریف به چهار ویژگی علم منطق اشاره شده است: 1. موضوع منطق که عبارت است از تعریف و استدلال 2. آلی بودن منطق 3. قانونیت قواعد منطق 4. فایده منطق.

**درس 4: مدوِّن منطق**

منطق تکوینی: قوانین خدادادی عمل عقل انسان.

منطق تدوینی: تدوین و دسته‏بندی قوانین خدادادی عقل انسان.

مدوِّن(تدوین کننده) منطق ارسطو حکیم یونانی است.

حکیم سبزواری در منظومه منطق:

الفه الحکیم رسطالیس میراث ذی القرنین القدیس

شبهه:

اساس علوم حوزوی و فلسفه اسلامی بر اساس منطق ارسطویی یعنی یک فیلسوف غیر مسلمان است. ضمناً منطق ارسطوئی ذهنی است و به تجربه اهمیت نمی‏دهد.

پاسخ:

1. حرف هیچ کس از جمله ارسطو را بدون دلیل نمی‏پذیریم. 2. بحث‏های منطقی ارسطو را دیگران و از جمله حکمای مسلمان به تدریج تکمیل کرده‏اند. 3. بحث‏های منطقی ما صرفاً ذهنی نیست و از روش تجربی و استقرایی نیز برای رسیدن به بعضی حقایق استفاده می‏شود. 4. ارسطو خالق منطق نیست، بلکه کاشف قوانین الهی عمل عقل انسان است.

**درس 5: بحث الفاظ در منطق**

منطق مستقیماً با الفاظ کاری ندارد، ولی چون 1. الفاظ ابزار انتقال مفاهیم هستند. 2. الفاظ به علت ارتباط عمیق با معنا گاهی منشأ اشتباه در انتقال مفاهیم هستند، بعضی مباحث لفظی در منطق مطرح شده است.

مباحث لفظی مطرح شده در منطق در همه زبان‏ها صدق می‏کند و بر خلاف صرف و نحو و مانند آن در مورد زبان خاصی نیست.

دلالت یعنی اینکه چیزی ذهن ما را به چیز دیگری راهنمایی کند. مثل علامت دایره و خط در وسط آن که ما را به معنای ورود ممنوع راهنمایی می‏کند. یا کلمه آب که معنای آب را به ذهن ما منتقل می‏کند. در این صورت به آن چیز اوّل "دال" و به دومی "مدلول" می‏گویند.

**تعریف دلالت: دلالت عبارت است از حالت یک شیء به گونه‏ای که وقتی ذهن به آن علم پیدا کرد بلافاصله به امر دیگری نیز منتقل شود.**

**دلالت، به لفظی**(که در آن دال، لفظ است) **و غیر لفظی**(که دال لفظ نیست مانند تابلوی راهنمایی و رانندگی) **و دلالت لفظی به مطابقی**(دلالت لفظ بر تمام معنای خود: کتاب به معنای کل صفحات و جلد)**، تضمنی**(دلالت لفظ بر جزء معنای خود: کتابم را پاره کردی وقتی یک صفحه از کتاب پاره شده است) **و التزامی**(دلالت لفظ بر معنایی غیر از معنای اول خود که با آن نوعی پیوند دارد، یعنی معنایی که رفیق و ملازم و همراه آن معنای اوّل است و با آن به ذهن می‏آید: مثل فرد بودن که همراه سه است یا معنای شجاعت که همراه معنای لفظ شیر است) **تقسیم می‏شود.**

**درس 6: تقسیمات لفظ**

تقسیم اوّل از مقایسه لفظ با معنای خودش:

1. مختص: بيش از يك معنا ندارد مثل تهران.
2. مشترک: براي چند معناي متعدد به صورت همزمان و يا با فاصله زماني ولي به طور مساوي وضع شده است، مثل شير.
3. منقول: لفظي است كه براي چند معناي متعدد و متناسب، در فواصل زماني مختلف وضع شده است و در نتيجه، يكي از معاني بر ديگر آنها تقدم دارد مثل لفظ صلوة كه در لغت به معناي مطلق نيايش است ولي شارع مقدس اسلام آن را از معناي اوليه نقل داده و در مورد نيايش مخصوصي وضع كرده است.
4. مرتجل: لفظي است كه براي چند معنا بدون در نظر گرفتن تناسب بين آنها وضع شده مثل اكثر اسامي افراد.
5. حقیقت و مجاز: لفظي كه يك معناي لغوي دارد ولي به دليل تشابه در معناي ديگري به كار مي‏رود مثل به كار بردن شير براي شجاع. معناي حيوان درنده معناي حقيقي شير و معناي شجاع معناي مجازي است.

تقسیم دوم از مقایسه دو یا چند لفظ با یکدیگر:

1. ترادف: هم معني بودن الفاظ
2. تباین: معناي جداگانه داشتن الفاظ

تقسیم سوم لفظ از نظر جزء داشتن یا نداشتن:

مفرد: جزء ندارد يا جزء لفظ بر جزء معنا دلالت ندارد. مثل كتاب يا عبدالله(اگر اسم شخص باشد).

کلمه: همان فعل به اصطلاح نحوي

اسم: همان اسم به اصطلاح نحوي

اداة: همان حرف به اصطلاح نحوي

مرکب: جزء دارد و جزء لفظ رساننده جزء معنا است مثل عبدالله به معناي بنده خدا

تام: متكلم مي‏تواند سكوت كند و شنونده در حالت انتظار نمي‏ماند.

خبری: محتواي آن داراي واقعيت خارجي بوده و قابل صدق و كذب است مثل ديروز جمعه بود.

انشایی: محتواي آن حقيقتي وراي لفظ ندارد و مسأله صدق و كذب در آن مطرح نمي‏شود مثل ساعت چند است؟

ناقص: معناي آن ناقص است مثل امروز به مدرسه

**درس 7: مفهوم و مصداق- کلی و جزئی**

تعریف مفهوم: به صورت ذهنی مربوط به انعکاس صورت اشیاء در آن مفهوم گفته می‏شود.

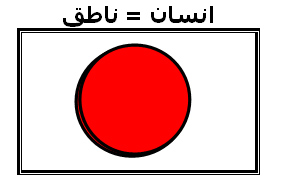
تعریف مصداق: مصداق آن چیزی است که مفهوم از آن حکایت می‏کند.

تقسیم مفهوم به کلی و جزئی: مفهوم قابل صدق بر بیش از یک مصداق، کلی و مفهوم غیر قابل صدق بر بیش از یک مفهوم جزئی نام دارد.

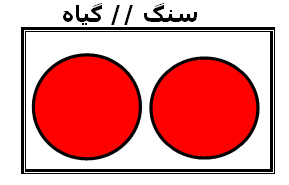
**درس 8: نسبت‏های چهارگانه**

چهار صورت مقایسه دو مفهوم کلی با یکدیگر از نظر مصادیق: تباین، تساوی، عموم و خصوص من وجه و عموم و خصوص مطلق

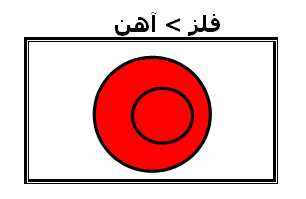
**تساوي**



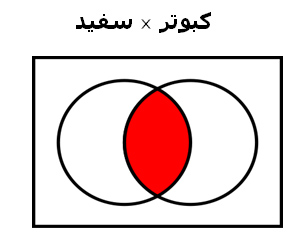
**تباين**



**عموم و خصوص مطلق**



**عموم و خصوص من وجه**



**درس 9: کلیات خمس**

تقسیم مفهوم کلی بر اساس رابطه با یک مصداق خاص: نوع، جنس، فصل، عرضی خاص، عرضی عام.

نوع: مفهومي است كلي كه بيانگر تمام ذاتيات افراد و مصاديق خود است مانند مفاهيم: انسان، اسب، گاو و ...

جنس: مفهومي است كلي كه بيانگر جزء اعم از اجزاي ذاتي مصاديق مي‏باشد مانند مفاهيم: حيوان، جسم، رنگ و ...

فصل: مفهومي است كلي كه بيانگر جزء مساوي از اجزاي ذاتي مصاديق مي‏باشد مانند مفاهيم: ناطق، صاهل(شيهه زننده) و ...

عرضي خاص: مفهومي است كلي كه بيانگر وصفي مختص و غير ذاتي در مصاديق خود مي‏باشد مانند مفاهيم: شاعر، ضاحك و ...

عرضي عام: مفهومي است كلي كه بيانگر وصفي اعم و غير ذاتي در مصاديق خود مي‏باشد مانند مفاهيم: سياهپوست، ماشي(راه رونده) و ...

**درس 10: اقسام کلیات خمس**

اقسام کلیات خمس که در مبحث تعریف کاربرد دارد:

نوع حقیقی و اضافی(عالی، سافل و متوسط)

نوع حقيقي: اخص مفاهيم در سلسله مرتبي از مفاهيم.

نوع اضافي: هر كلي ذاتي‏اي كه تحت جنس مندرج است نسبت به آن جنس، نوع اضافي ناميده مي‏شود.

**فصل مقوِّم نوع و مقسِّم جنس است.**

عرضی: لازم(از مقومات داخلي ماهيت معروض خود نيست ولي انفكاك آن از معروض خود عقلا ممتنع است)، مفارق

**درس 11: تعریف و اقسام آن**

حد(تمام عناصر ذاتي معرف) و رسم(برخي از عناصر ذاتي معرف)

حد تام و ناقص

رسم تام(جنس و عرضي خاص) و ناقص(فقط عوارض خاصه)

**درس 12: قواعد تعریف**

غرض از تعریف: ارائه تصوير واضح و صحيح از معرَّف و جدا كردن معرَّف از غير آن به صورت تام و كامل.

قواعد پنج‏گانه تعریف: جامع و مانع، روشن‏تر از معرَّف، غير شرح الاسمي، خالي از دور، با الفاظ روشن و غير مشترك و مجاز مگر با ذكر قرينه

**درس 13: قضیه و اقسام آن**

تعریف قضیه: قضیه، مرکب تامی است که ذاتاً بتواند وصف صدق و کذب را بگیرد.

تقسیم قضیه به حملیه(اين هماني يا عدم اين هماني) و شرطیه(حكم به وجود و يا عدم نسبتي بين دو يا چند قضيه)

تقسیم شرطیه به متصله(اگر عدد زوج باشد، بر دو قابل تقسيم خواهد بود) و منفصله(عدد، يا زوج است و يا فرد)

تقسیم قضایا به موجبه(امروز جمعه است.) و سالبه(امروز جمعه نيست.)

**درس 14: قضیه حملیه و اقسام آن**

تقسیم قضیه حملیه به شخصیه، طبیعیه، مهمله و محصوره

تقسیم حملیه موجبه به ذهنیه، خارجیه و حقیقیه

معدوله و محصله

**درس 15: موجّهات**

تقسیم ارتباط محمول با موضوع به وجوب، امتناع و امکان خاص

**درس 16: قضیه شرطیه و اقسام آن**

شخصیّه-مهمله-محصوره

متصله لزومیه و اتفاقیه

منفصله عنادیه و اتفاقیه

منفصله حقیقّه، مانعة الجمع و مانعة الخلوّ

**درس 17: نسبتهای چهارگانه بین قضایا**

تناقض-تضاد-دخول تحت تضاد-تداخل

**درس 18: عکس**

عکس مستوی-عکس نقیض

**درس 19: استدلال و اقسام آن**

تعریف استدلال: انتقال از چند مکعلوم تصدیقی به یک مجهول تصدیقی

اقسام استدلال: قیاس-استقراء-تمثیل

**درس 20: قیاس اقترانی**

چند اصطلاح: حد اوسط-حد اصغر-حد اکبر

قیاس اقترانی حملی- قیاس اقترانی شرطی

شکل‏های چهارگانه در قیاس اقترانی

نتیجه در قیاس همواره تابع اخسّ مقدمات است.

**درس 21: قیاس اقترانی: شکلهای دوم، سوم، چهارم**

شکل دوم

شرایط شکل دوم

حالت‏های منتج در شکل دوم

شکل سوم

شرایط شکل سوم

ضروب منتج در شکل سوم

شکل چهارم

شرایط شکل چهارم

حالت‏های منتج در شکل چهارم

**درس 22: قیاس استثنایی**

مقدمات قیاس استثنایی

اقسام قیاس استثنایی

قیاس استثنایی اتصالی و مکانیسم استنتاج در آن

قیاس استثنایی انفصالی و مکانیسم استنتاج در آن

قیاس استثنایی با منفصله حقیقیه

قیاس استثنایی با منفصله مانعة الجمع

قیاس استثنایی با منفصله مانعة الخلو

**درس 23: استقرا-تمثیل**

استقرا

اقسام استقرا

تمثیل

ارکان تمثیل

ارزش معرفتی تمثیل

**درس 24: صناعات خمس**

اهمیت صناعات پنجگانه

ماده و صورت در منطق

موادّ استدلال

**درس 25: مقدّمات صناعات**

1. یقینیّات 2. مظنونات 3. مشهورات 4. وهمیّات 5. مسلّمات 6. مقبولات 7. مشبّهات 8. مخیّلات

**درس 26: صناعت برهان**

تعریف

تقسیم برهان به لمّی و انّی

ارزش و اهمیت برهان

غرض و فایده برهان

**درس 27: صناعت جدل**

تعریف و فایده صنعت جدل

چند اصطلاح در فن جدل: سائل و مجیب، وضع، موضع

مواد و ابزار جدل

آداب مناظره

**درس 28: صناعت مغالطه**

اهمیت و ضرورت مغالطه

موادّ مغالطه

عناصر درونی و بیرونی مغالطه

تقسیم مغالطه به لفظی و معنوی

**درس 29: مغالطه‏های معنوی**

**درس 30: صناعت خطابه و صناعت شعر**